

از مکتب‌خانه تا مدرسه

www.ketab.ir

نویسنده:

فروزنده محفوظ

از مکتب‌خانه تا مدرسه

از: فروزنده محفوظ

سرشناسه: محفوظ، فروزنده، ۱۳۲۴-

mahfoz, forozandeh

عنوان و نام پدیدآور: از مکتب‌خانه تا مدرسه/نویسنده فروزنده محفوظ.

مشخصات نشر: تهران: کتابسرای میردشتی: نشر قطره، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۳۲۶ص: مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۰۰-۰۲-۵

وضعیت فهرست نویسی: فییا

یادداشت: چاپ قبلی: نشر قطره، ۱۳۹۸.

موضوع: آموزش و پرورش -- ایران -- تاریخ

Education-- Iran-- History

آموزش و پرورش -- ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام

Education-- Iran-- History -- To 633

آموزش و پرورش -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴

Education -- Iran -- History -- 20th century

رده بندی کنگره: LA۱۳۵۱

رده بندی دیویی: ۳۷۰/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۳۴۱۵۴

اطلاعات کوردکتایشناسی: فییا

چاپ و صحافی: چایلدونه

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول-۱۴۰۰

قیمت: ۱/۳۰۰/۰۰۰ ریال

ناشر: کتابسرای میردشتی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۰۰-۰۲-۵

نشر و پخش کتابسرای میردشتی

تهران • خیابان انقلاب • خیابان فخررازی • بعد از تقاطع لبافی‌نژاد •

نبش کوچه ماستری فراهانی • پلاک ۱۱ • طبقه ۱ • واحد ۱

تلفن | ۰۲۱-۶۶۴۹۰۶۶۰-۲



www.mirdashti.com

info@mirdashti.com

فهرست

پیش گفتار.....	۹
فصل اول: وضعیت جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی ایران پیش از اسلام.....	۱۵
فصل دوم: آموزش و پرورش در ایران باستان.....	۴۷
فصل سوم: شیوه‌های تعلیم و تدریس در قرن‌های نخستین پس از اسلام.....	۷۱
فصل چهارم: مکتب و آموزش مکتب‌خانه‌ای.....	۷۵
فصل پنجم: حکومت سلسله‌های ایرانی پس از اسلام.....	۹۹
فصل ششم: دوره غزنویان، سلجوقیان، تأثیر مخرب نظامیه‌ها، حمله مغول‌ها به ایران و اثرهای ناگوار آن.....	۱۱۷
فصل هفتم: چکیده‌ای درباره‌ی قرون وسطی و آغاز رنسانس در اروپا و هم‌زمانی آن با سلسله‌ی صفویان در ایران.....	۱۴۷
فصل هشتم: سلسله‌ی صفویان، آموزش و پرورش در دوره‌ی صفویان و دلایل انقراض صفویان.....	۱۶۱
فصل نهم: وضعیت ایران پس از صفویه تا روی کار آمدن قاجارها.....	۱۶۷
فصل دهم: انقلاب مشروطیت.....	۲۰۱
فصل یازدهم: اواخر دوره‌ی قاجار و هم‌زمانی آن با جنگ جهانی اول.....	۲۱۳
فصل دوازدهم: اوضاع ایران به هنگام روی کار آمدن رضاخان و آغاز سلسله‌ی پهلوی.....	۲۲۱
سخن پایانی.....	۲۸۷
منابع.....	۲۹۱
منابع تصویرها.....	۳۰۱
تصاویر.....	۳۰۳

پیش‌گفتار

تاریخ آموزش و پرورش در همه جای جهان با همه‌ی جنبه‌های زندگی انسان‌ها، از جمله مسائل اقتصادی مانند کشاورزی، دام‌پروری، صنعت و تجارت، عامل سیاسی مانند انواع حکومت، دولت و قوانین، و عناصر فکری انسان‌ها هم‌چون فلسفه، علوم، هنرها، ادبیات، دین و مذهب، باورها و به‌طور کلی فرهنگ ارتباط تنگاتنگ دارد. بنابراین در این اثر کوشش شده است تا حدودی و به‌ایجاز به روابط متقابل و حیاتی این عناصر پرداخته شود.

بررسی شیوه‌های آموزش در گذشته و اندیشیدن در مورد علل کاستی‌ها و عقب‌ماندگی‌ها سبب یافتن راه درست در حال حاضر و آینده است، یعنی اگر در هر زمینه‌ای به شناخت، بهره‌گیری از تجربه‌ها و جمع‌بندی آن‌چه که بر ما و دیگران گذشته است، نپردازیم راه به سوی پیشرفت نخواهیم برد و به گفته‌ی رودکی شاعر بزرگ ایرانی:

هر که نامخت از گذشت روزگار نیز ناموزد ز هیچ آموزگار

این کتاب حاصل یادداشت‌هایم در طی سال‌ها رویارویی با نادرستی‌ها، کاستی‌ها و فرازوفرودهای آموزش و پرورش است، مسائلی که

در دوران تحصیلی خودم، کودکانم و سال‌ها تدریس در دبستان و دبیرستان با آن رویه‌رو بوده‌ام، هم‌چنین دغدغه‌های همواره‌ی ذهنی‌ام که رسیدن به رشد شناختی، عاطفی و هیجانی، اخلاقی و اجتماعی، نیز تحقق عزت نفس هر انسان جز با آموزش و پرورش درست و خردمندانه برای همگان قابل دستیابی نیست. آموزش بر مبنای علم، عقل و منطق، با نیازهای واقعی و ملموس همه‌ی افراد بشر سروکار دارد، برخورداری از هوا و آب پاک، غذای سالم، مسکن مناسب و امنیت، نیازهایی است که فارغ از زمان و مکان، جنسیت، دین و آیین و باورهاست. از هر قوم و قبیله و در هر کجای این جهان باشیم به همه‌ی این چیزهای ضروری نیاز داریم و این‌ها جز با سرمایه‌گذاری‌های درازمدت و آینده‌نگری برای آموزش و تأکید بر یادگیری همه‌ی افراد جامعه، کار گروهی و مشارکت در حل مسائل و مشکلات محیط زیستی و اجتماعی امکان‌پذیر نخواهد بود. این فرایند به تدریج صورت می‌گیرد ولی سرانجام نتیجه‌ی مطلوب خواهد داشت. هیچ جامعه‌ای فقط با تعداد اندکی افراد نخبه که البته جای خود دارند و مورد احترامند، نمی‌چرخد. اندکی نخبه و انبوهی نادان به کار و دنیای خویش ناتوان از حل مشکلات پیچیده زندگی به چه کار آید!

آموزش منحصر به کسب دانش نیست، باید شیوه‌های آموختن را فراگرفت، آموختن چگونه اندیشیدن و نقد و بررسی امور از مهم‌ترین اجزای تحقق جامعه مدنی است. نیروی انسانی آموزش دیده و کارآمد همه‌ی افراد جامعه، آن جامعه را در فرایند توسعه قرار می‌دهد و چنین نیرویی می‌تواند عامل عمده‌ی تولید مادی و معنوی شود. یعنی تحقق جامعه‌ی مدنی با آموزش و پرورش رابطه‌ی مستقیم دارد. با یادگیری و آگاهی است که آدم‌ها می‌توانند برای حل مشکلات، مسئولیت به عهده بگیرند. احساس مسئولیت در حل مشکلات و مسائل پیچیده، کاربرد دانش را برای انسان‌ها قابل لمس و عینی می‌کند و از سوی دیگر تکیه به دیگران و به نیروهای فراواقعی را به

گونه‌ی چشمگیری کاهش می‌دهد و سبب احساس رضایت و شادی درونی می‌شود. آدم‌ها اشتباه می‌کنند، ولی از اشتباه‌های خود و دیگران می‌آموزند و تجربه‌های ناموفق را رها می‌کنند و این دست‌آورد جز با درگیر شدن مستقیم و عینی با مسائل و مشکلات به دست نمی‌آید. مسائل جهان روزبه‌روز پیچیده و دغدغه‌آمیزتر می‌شود، از جمله تغییرهای اقلیمی، گرم شدن تدریجی کره‌ی زمین، ارتباط آینده‌ی زمین و سوخت‌های فسیلی، افزایش جمعیت و پیچیدگی‌های مربوط به آن. بی‌خیالی و بی‌مسئولیتی نسبت به این مسائل یعنی نابودی حیات برای همه‌ی موجودات جهان. در جهان امروز دیگر مرزی وجود ندارد، کوچک‌ترین رویداد ناهنجار، حتی در دوره‌افتاده‌ترین نقاط دنیا، تأثیرهای مخربش را به گونه‌ی مستقیم و غیرمستقیم بر همه‌ی آدم‌های ساکن کره‌ی زمین می‌گذارد. بنابراین ما ناگزیریم که نسبت به آنچه که در جهان می‌گذرد، حساس باشیم و شناختی علمی و منطقی از رویدادهای اطراف‌مان به دست آوریم تا بتوانیم بر نابه‌سامانی‌ها چیره شویم. به گفته‌ی فردوسی حماسه‌سرای بزرگ ایران «توانا بود هر که دانا بود» گرچه به نظر بدیهی می‌آید ولی مغفول مانده است.

هم‌چنین باید به این نکته‌ی مهم نیز توجه داشت که باسواد بودن، تنها سواد خواندن، نوشتن و اندکی حساب کردن نیست، این مقدار سواد تنها جوابگوی نیازهای نخستین انسان است، ولی از آن‌جا که انسان حیاتی متفاوت از نظر کیفی با سایر موجودات زنده‌ی جهان هستی دارد و بیش‌تر از هر موجود زنده‌ی دیگر نیاز به مراقبت و آموزش برای زندگی کردن دارد. با توجه به تفاوت‌ها و پیچیدگی‌های ذهنی، روانی و هیجانی انسان‌ها، نیز پیچیدگی‌هایی که در ارتباط میان افراد یک جامعه و نیز هر جامعه‌ای با جامعه‌های گوناگون دیگر وجود دارد، هر فردی نیاز به شناخت عمیق از ابعاد گوناگون حیات زیستی و اجتماعی بشری دارد و این امر مهم جز با یادگیری‌های مختلف در زمینه‌های گوناگون و جز با مطالعه مستمر و پویا

فراهم نمی‌شود. مهم‌ترین مفاهیمی که با زندگی همراه با امنیت و شادمانه زیستن انسان‌ها ارتباط دارد، آزادی، عدالت و رسیدن به بینش پذیرفتن دیگری است، یعنی پذیرش تفاوت میان آدم‌ها از نظر جنسیت، قوم، دین و آیین که تنها با نهادینه کردن آموزش‌های خردگرایانه از آغاز کودکی امکان‌پذیر خواهد شد.

این کتاب بیان این نکته‌ی کلیدی است که آن‌چه امروز هستیم بر مبنای همه‌ی رویدادهایی است که از گذشته‌های دور تا دوران معاصر بر ما و بر سرزمین‌مان گذشته است. سعی کرده‌ام در این اثر طومارهای گذشته را با نظمی نوین بیان کنم تا خواننده نیز بتواند چشم‌انداز آینده را در حد توانایی خود جست‌وجو و پیش‌بینی کند. در واقع این کتاب نگاهی گذرا و خلاصه به فرهنگ و نظام‌های آموزش و پرورش ایران از دیرباز تا پایان دوره‌ی پهلوی همراه با معرفی مختصر از اندیشمندان تأثیرگذاری است که از سختی‌ها نهراسیدند و در سرزمینی که همواره دستخوش ناآرامی‌ها، یورش‌ها و بی‌عدالتی‌ها بوده است، توانستند با اندیشه‌ها و کارهای‌شان راه را برای ما مردمان امروز و نسل‌های آینده تا حدود زیادی هموار کنند، به عنوان نمونه میرزاحسن رشديه که بارها او و معلمانش را تهدید کردند و یازده بار مدرسه‌هایی را که او با دشواری می‌ساخت، ویران کردند، اما او از پا ننشست و من به سهم خود فکر می‌کنم که همه‌ی تحصیل‌کردگان این سرزمین به این انسان بزرگ مدیون هستیم.

نوشتن این اثر به این امید است که هر فردی خود را جدا از آن‌چه می‌گذرد، نداند و احساس مسئولیت داشته باشد. بدیهی است که همه چیز می‌گذرد، این نیز می‌گذرد، ولی چگونه گذشتن مهم است و هیچ پدیده‌ای خودبه‌خود درست نمی‌شود. همه‌ی ما باید دغدغه‌ی این را داشته باشیم که ره‌آوردی سازنده و مثبت، هرچند کوچک در پیشبرد مسائل داشته باشیم. در این اثر تلاش کرده‌ام به‌طور کلی در مورد برخی از اندیشمندان تأثیرگذار

تاریخ که ذخیره‌های ذهنی و زبانی ما را ساخته‌اند، نیز در مورد افرادی که به گونه‌ی مستقیم و غیرمستقیم، اندیشه و کارهای‌شان در زمینه‌ی آموزش و پرورش تأثیر داشته است، کمی بیش از سال تولد و مرگ، به فرازهای زندگی آنان پردازم.

در پایان باید هم‌چنین از ساعت‌هایی یاد کنم که در جلسه‌های «انجمن پژوهش‌های آموزشی پویا» شاهد بحث‌ها، گفت‌وگوها، نگرانی‌ها و دلسوزی‌های اعضای انجمن در مورد مسائل آموزش و پرورش بودم که این همه انگیزه دیگری شد برای جمع‌آوری یادداشت‌هایم در مجموعه‌ای منسجم و سازمان‌یافته. این کتاب برای آن‌هایی که می‌دانند نوشته نشده است، بلکه برای افرادی است که گذران زندگی روزمره‌شان فرصت مطالعه گسترده را به آنان نداده است. نیز برای دانش‌آموزان با استعدادی که به سبب فقر مادی یا فرهنگی خانواده، مجبور به ترک تحصیل می‌شدند ولی حسرت مدرسه و گذران شور و شوق کودکی و نوجوانی به دل‌شان مانده است. هدف و تلاشم این بوده است که ساختار کلی این کار را با بهره‌گیری از منابع گوناگون و متعدد بر اساس توالی تاریخی، درهم آمیخته و با تنظیم و شیوه‌ی بیان خود ارائه دهم. نکته‌ی ناگفته‌ی دیگر این که نگارنده، آموزش الفبا و خواندن را به شیوه‌ی مکتب‌خانه‌ای، در خانه و از پدرم آموختم، سپس امتحان دادم و دوره‌ی دبستان را از کلاس دوم آغاز کردم.

از نویسندگان و پژوهشگران گرامی که اثر را خواندند و با راهنمایی‌های‌شان مرا یاری دادند، از جمله در آغاز آقای مصطفی کریمی که مرا به ادامه‌ی این پژوهش ترغیب کردند و از آقایان محمدرضا مدیحی، دکتر اقبال قاسمی‌پویا، اسفندیار معتمدی، هم‌چنین از خوانش دقیق و مؤثر خانم‌ها دکتر فاطمه قاسم‌زاده و ثریا قزل‌ایاق بسیار سپاسگزارم.